

طنزهای فلسفی در اشعار عطار

مریم محمدزاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

چکیده

طنز تقریباً همپای تکوین شعر و ادب در زبان فارسی سابقه دارد. از اخوانیات که طنزهای دوستانه بین ادیبان و شاعران محسوب می‌شود تا طنزهای گزنده چرند و پرند دهخدا فاصله زمانی هزار ساله‌ای است که انواع گوناگون طنزهای فردی، سیاسی، اجتماعی، عرفانی و ... را در خود جای داده است. علاوه بر این، در عرصه ادبیات فارسی شاهد نوع دیگری از طنز هستیم که می‌توان آن را طنز فلسفی نامید. بیشتر رباعیات خیام و برخی از اشعار حافظ، رنگ فلسفی دارند و چون و چرا در کار جهان را پیش می‌کشند؛ با این حال، شاخص‌ترین رد پای این نوع طنزها در اشعار عطار به چشم می‌خورد. این نوشتار به وسیله فنّ تحلیل محتوا، نشان می‌دهد که اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی در قرن ششم، موجی از اعتراض را در اندیشه عطار پدید آورده؛ لیکن از آنجا که وی نتوانسته این اعتراض‌ها را به صورت مستقیم بیان کند به ناچار به صورت غیر مستقیم، پاره‌ای از مصیبت‌های مردم ستمدیده را در قالب این نوع طنزها بیان و به طرز ظریف و ماهرانه به نظام هستی و خداوند و جامعه‌اش از زبان دیوانگان و عقلای مجانبین اعتراض کرده است.

کلید واژگان: طنزهای فلسفی، عطار، قرن ششم، عقلای مجانبین، اعتراض به خداوند.